

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹

مصادف با: ۳ رمضان ۱۴۴۱

جلسه: ۴۱

موضوع کلی: فصل فی احکام الجبائر

موضوع جزئی: حکم جبیره غیر متعارف

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۶۰۲ بود. عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، اگر آب به اطراف جراحی که [آن اطراف] بیشتر از مقدار متعارف باشد، ضرر بزند، مشکل است که به کفایت مسح بر جبیره حکم شود، چه جبیره از ابتدا وجود داشته باشد و سپس شخص بخواهد بر آن مسح کند و چه بعداً جبیره را بگذارد و بخواهد بر آن مسح کند [بنابراین، مسح بر جبیره کافی نیست]، پس احتیاط این است که شخص مقداری را که امکان شستن آن هست، بشوید و [نسبت به مقداری که شستن آن امکان ندارد] بر جبیره مسح کند و سپس تیمم کند، اما اگر اطراف جراحی که آب برای آن ضرر دارد به مقدار متعارف باشد، بخشیده شده است [، یعنی مسح بر جبیره کافی است و وضو صحیح است].

مثالی که در رابطه با مسأله مذکور متصور است [که مرحوم آیت الله خویی (ره) نیز به آن اشاره کرده است] این است که جراحی در انگشت باشد و شخص بخواهد اطراف جراحی را که بیشتر از مقدار متعارف است، بشوید، مثلاً بخواهد ساعد را بشوید، لکن شستن ساعد باعث می شود که به جراحی که در انگشت است، ضرر وارد شود. نظر مرحوم سید (ره) این است که در این صورت [که اطراف جراحی، یعنی ساعد، غیر متعارف است و فاصله آن تا انگشت زیاد است]، نمی توان به مسح بر جبیره ای که روی انگشت است، اکتفا کرد [، چه آن جبیره از قبل وجود داشته است و چه هنگام وضو گرفتن، شخص جبیره را بگذارد و بخواهد بر آن مسح کند]، بلکه آن مقداری را که شستن آن امکان دارد و از ناحیه شستن آن، ضرری متوجه انگشتی که جراحی دارد، نمی شود، می شوید و سپس بر جبیره مسح می کنید و تیمم نیز می بکند. اما اگر جبیره بیشتر از مقدار متعارف، روی زخم را نگرفته باشد، مشکلی نیست و بر آن مسح می کند و نیازی به تیمم نیست.

دلیل حکم مذکور در کلام مرحوم سید (ره) این است که اخباری که در باب جبیره وارد شده اند به موردی مربوط می شوند که جراحی در موضع وضو باشد؛ به گونه ای که با رسیدن آب به آن موضع، ضرر متوجه شخص شود، اما این اخبار موضعی را که جراحی ندارد و جراحی در موضع دیگری است، لکن رسیدن آب به موضعی که جراحی ندارد، برای جراحی ضرر دارد، شامل نمی شوند. پس اخبار دال بر کفایت مسح بر جبیره فقط شامل موردی می شوند که رساندن آب به خود موضع جراحی ضرر داشته باشد و ضرری که از ناحیه شستن اطراف [غیر متعارف]، متوجه موضع جراحی می شود را شامل نمی شوند لذا در این فرض، وظیفه شخص این است که تیمم کند.

بنابراین، روایات وارد شده در باب جبیره اطلاق ندارند که ضرر ناشی از شستن اطراف غیر متعارف را نیز شامل بشوند، بلکه این روایات فقط ضرری را شامل می شوند که از ناحیه استعمال آب برای خود زخم، متوجه شخص شود. بنابراین، در فرض مذکور که

ضرر از شستنِ اطرافِ غیر متعارف متوجه زخم می‌شود، شخص باید آن مقداری که شستن آن ممکن است را بشوید و نسبت به مقداری که شستن آن امکان ندارد، بر جبیره مسح کند و سپس تیمم کند، ولی مرحوم آیت الله خوئی (ره) فرموده است که اخبار وارد شده در باب جبیره، فرض مذکور را که ضرر، ناشی از استعمال آب برای اطراف غیر متعارف باشد، شامل نمی‌شوند لذا در فرض مذکور، وظیفه شخص این است که تیمم کند و وضوی جبیره‌ای لازم نیست.

پس نظر مرحوم سید (ره) در فرض مذکور این شد که شخص آن مقداری را که ممکن است، بشوید و نسبت به مقداری که شستن آن ممکن نیست، بر جبیره مسح کند و سپس تیمم کند. دلیل کلام مرحوم سید (ره) شاید این باشد که چون شخص علم اجمالی به این دارد که وظیفه‌اش تیمم است یا وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است، احتیاط اقتضا می‌کند که بین هر دو جمع کند و وضوی جبیره بگیرد و علاوه بر آن، تیمم نیز بگیرد.

ان قلت: ممکن است که گفته شود که روایت حلبی [عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقَرْحَةُ فِي ذِرَاعِهِ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ مِنْ مَوَاضِعِ الْوُضُوءِ فَيَعْصِبُهَا بِالْخِرْقَةِ وَ يَتَوَضَّأُ وَ يَمْسَحُ عَلَيْهَا إِذَا تَوَضَّأَ؛ فَقَالَ: «إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ وَ إِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا» قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْجُرْحِ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فِي غَسْلِهِ؟ قَالَ: «اغْسِلْ مَا حَوَّلَهُ»^۱] اطلاق دارد و این مورد را که ضرر از ناحیه غسل اطراف زخم متوجه زخم می‌شود را نیز شامل می‌شود و ضرری که در روایت آمده است مختص ضرری نیست که فقط از ناحیه غسل خود زخم متوجه زخم شود بنابراین، در این فرض نیز شخص، نخست اطراف زخم را می‌شوید و بر جبیره مسح می‌کند و سپس تیمم می‌کند.

قلت: در پاسخ از استناد به روایت حلبی، عرض می‌شود که مقصود از **تعبیر** «ایذاء الماء» **در حد** روایت مذکور، مطلق ایذاء نیست، یعنی هر ایذاء المائی مجوز مسح بر پارچه و جبیره نمی‌شود، بلکه منظور از ایذاء الماء، آبی است که استعمال آن برای خود زخم موجب ضرر برای زخم و جراحت شود، لذا ضرری که ناشی از استعمال آب برای اطراف زخم باشد را شامل نمی‌شود. دلیل این مطلب نیز ذیل این روایت است که امام صادق (ع) فرموده است: «وَ إِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا»؛ به این معنی که اگر آب به زخم ضرر نمی‌زند، پارچه را بردارد و روی زخم را بشوید، بنابراین، از این ذیل استفاده می‌شود که مقصود از ضرر داشتن آب برای زخم، ضرری است که از استعمال آب برای خود زخم متوجه شخص شود و ضرری را که از استعمال آب برای اطراف زخم ناشی شود، شامل نمی‌شود. پس استناد به اطلاق روایت حلبی صحیح نیست.

نتیجه اینکه، در فرض مذکور که شستن اطراف زخم برای زخم و جراحت ضرر دارد، وظیفه شخص این است که تیمم کند و همان‌طور که مرحوم سید (ره) فرمود، از باب احتیاط وضوی جبیره‌ای نیز بگیرد. مرحوم آیت الله خوئی (ره) نیز در نهایت همین نظر مرحوم سید (ره) را برگزیده و فرموده است که علاوه بر تیمم، احتیاطاً وضوی جبیره‌ای نیز بگیرد.

اما در رابطه با مقدار متعارف، نظر مرحوم سید (ره)، این است که اگر اطراف جراحتی که آب برای آن ضرر دارد به مقدار متعارف باشد، بخشیده است [، یعنی مسح بر جبیره کافی است و وضو صحیح است].

«الحمد لله رب العالمين»

۱. شیخ حر عاملی، ووسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۲.